

داشته و دارم، بیشتر بپردازم».

«ضیافت» نوزدهمین اثر سینمایی کیمیایی و به گمان نگارنده - بهترین فیلمی است که او پس از انقلاب ساخته است.

«ضیافت» تلفیقی از باورهای امروز فیلمساز با دلمشغولیهای همیشگی اش است که ردپای آنها را می توان در فیلمهای پیش از انقلاب او نیز یافت: رفاقت، پایبندی به اخلاق سنتی، هشدار درباره ی گسستن پیوند میان دو نسل (بزرگترها یک گنچند) و ... همچنان حرفهای همیشگی اویند که در این فیلم به نحوی تکرار شده اند، اما در این جا او «زمانه» را دریافته است. اگر پیشتر، قهرمان فیلمهای کیمیایی به «انتقام شخصی» دست می یازید یا به ستیز و دفاع یک تنه با اشرار و تبهکاران می پرداخت اینک هم او به دوستانش - رفقای دیرین - متوسل شده است تا «جمع» جای «فرد» را بگیرد و اگر قانون ستیزی یا بی اعتنائی به حضور قانون و مجریان آن، پیشتر مرکز ثقل درونمایه ی برخی از آثار او بوده اند، اینک قهرمان ما - رضا - خود، لباس قانون بر تن کرده است.

این فیلم نشانه ای تازه نیز از کیمیایی در خود دارد؛ حرف کیمیایی در ضیافت از باورش برمی خیزد و یک واکنش مقطعی و مطابق مصلحت روز؛ نیست. کیمیایی - اگر بخواهد - یک «فیلمساز متشخص» و صاحب فردیت و هویت است. (شناخت من از او محدود به فیلمهایش است).

به گزاره ای دیگر: ضیافت همچنان که رنگ و بو و حس و حال زمانه ی ما را دارد، به مختصات فکری سازنده اش نیز در جایگاه فیلمسازی که همواره دلبسته ی زیست بومش بوده، نزدیک است.

«ضیافت» فیلمبرداری یکدست و روانی دارد. با این حال، گمان می رود که در مورد ساخت و پرداخت صحنه های مربوط به وقوع انقلاب - چه در کارگردانی و چه در فیلمبرداری - وسواس بیشتری مورد نیاز بوده است. طراحی و اجرای کریم حرفه ای و خوب است. بازیها نیز اغلب بی پیرایه و ملموسند؛ به ویژه بازی «فریبرز عرب نیا» - جوان اول فیلم - به جز برای این فیلم، در کارنامه ی بازیگر نیز امتیاز ارزنده ای است.

کیمیایی می گوید: «اگر هنرمند، هنرپرداز، هنرشناس، هنرورز و هنرپذیر، رشد می کند، با وجود هنریانان، این رشد ممکن شده است. هنریانان، معماران ساختمانند، ریشه های تاریخ هنرند و برای شناخت هر دوره، باید به تاریخ هنر آن دوره مراجعه کرد. هنریانان محترم، ما را یاری کنید تا فیلمهایمان را بسازیم. ما چند سینماگر را دچار چنگ تصویب «فیلم نوشته»، تهیه کننده ی بانکی، دفترهای غریب، وام، نامه های ضمانت، جیره بندی لوازم و فیلم خام، قدم زدن در پشت اتاقها و قسط و شکایت نکنید. ما را با آخرین فیلمهایمان اندازه گیری نکنید. ما را با تاریخ فیلمهایمان قضاوت کنید. تعویض هنر هنریانی، تعویض اجرای یک برنامه ریزی است. ما دستخوش این تعویضهاییم. سینما بدون ما نفس خودش را می کشد، اما ما بدون سینما نفسی نداریم. سینمای ما بدون شک همیشه میل به انسان و اخلاق داشته است.»

«ضیافت» تولد دوباره ی «کیمیایی» است.

«دایره سرخ» ساخته ی «جمال شورجه»

«سینمای خوب»، «صرفاً سینمای بی نقص» نیست!

علی افشار

□ «دایره سرخ» تازه ترین ساخته ی «جمال شورجه»، کارگردان فیلمهای «روزنه»، «شب دهم»، «عملیات کرکوک»، «لبه ی تیغ» و «حماسه مجنون» است؛ فیلمی متعلق به گونه ی سینمای جنگ (دفاع مقدس). که رای هیأت داوران چهاردهمین جشنواره فیلم فجر به عنوان بهترین فیلم جشنواره انتخاب شد، اما به گواه بسیاری از اهل فن و نویسندگان، این عنوان برای این فیلم شایسته نبوده است. البته باید گفت «دایره سرخ» فیلم بدی نیست ولی این نمی تواند یک «ویژگی منحصر به فرد» باشد؛ چرا که بسیاری از فیلمهای جشنواره ی ۷۲، فیلمهای خیلی بدی نبوده اند. اما «دایره سرخ» برای امروز سینمای ما ارمغان تازه ای ندارد و این پر رنگترین عامل «مخاطب گریزی» آن است. می توان گفت همه چیز فیلم برای تماشاگر معلوم است و با چنین وضعیتی فقط رنگ و لعاب ظاهری فیلم ممکن است جذابیت داشته باشد؛ در یک عملیات هوایی، یک خلبان مجروح و معلول می شود، پدر همسر او که خلبانی بازنشسته است به ایران می آید، با دیدن حماسه های جنگ متحول

و ساختار - نداشته باشد. فیلم از لحاظ تکنیکی (دکوپاژ، تقطیع، فضا سازی، فیلمبرداری و ...) بهترین کار «شورجه» است. در فیلمنامه نیز شخصیتها به سادگی تعریف می شوند و هیچ دیالوگ - گفت و گوی - نامربوطی نیز رد و بدل نمی شود. این نشان می دهد کارگردان سعی کرده است تا ضعفهایی را که در کارهای پیشینش وجود داشته از بین ببرد اما در این پیرایش تا حدی پیش رفته که نتیجه ی کارش خنثی و بیپوده جلوه می کند؛ چرا که سینمای خوب صرفاً «سینمای بی نقص» نیست و نوگرایی پرک برنده است. البته فیلم لحظات خوبی هم دارد. نخستین دیدار خلبان از خارج برگشته (قر بیان) از دفتر فرماندهی پایگاه و دیدن وضع فعلی و عکسهای همکاران شهیدش و توفیق در خلق لحظه های حمله ی هوایی از ویژگیهای کاراست که به هر حال برای سازنده اش امتیازی تلقی می شود. همان طور که اشاره شد سینماگر ما ضمن سعی در رفع نقصهای تکنیکی اش باید خلاقیت و اندیشه ی تازه ای را در هر کار تازه اش بروز دهد چرا که در میان خیل میلیونی ساخت فیلم در جهان سینما، آن چه می تواند تفاوت ساز و تمییز دهنده باشد «خلاقیت» در بیان است.